

محسن بوالحسنی
خبرنگار

بعضی از سالن‌های نمایش از اول تیرماه بازگشایی شدند و چند نمایش هم که کارشان در ماه‌های پایانی سال ۹۸ به‌دلیل شیوع کرونا متوقف شده بود دوباره روی صحنه رفتند. بازگشایی سالن‌ها، موافقان و مخالفان بسیاری داشت. موافقان بازگشایی عقیده داشتند که نمی‌شود دست‌روی‌دست گذاشت و تا آینده‌ای نامعلوم تئاتر و فعالیت‌های هنری را تعطیل کرد. در رهنگردن تعطیلی‌ها علاوه‌بر ضررهای معنوی که حوزه تئاتر خواهد خورد ضررهای اقتصادی بیش از پیش دامن هنرمندان و عوامل این حوزه را خواهد گرفت و هیچ‌کس از پس جبران این خسارت‌ها برنخواهد آمد. طرف مخالف اما در شرایطی که ویروس کرونا همچنان در حال تاخت و تاز و تهدید است این بازگشایی‌ها را بر خلاف منطق مقابله با این ویروس می‌دانستند. هر دو طرف این روزها در حال بگو‌مگو و بحث با یکدیگر هستند. گروه‌هایی که روی صحنه می‌روند هم البته در شرایط خاصی پا به صحنه می‌گذارند. سالن‌ها با ظرفیت ۵۰درصدی بلیت‌فروشی می‌کنند و وضعیت سالن‌های کوچک در این بین به‌لحاظ اقتصادی بسیار حساس‌تر و خطیرتر است. کارگردان‌هایی که در این سالن‌ها اجرا می‌روند معتقدند که مدیران فرهنگی با پرداخت بارانه و حمایت‌های مالی در قالب بسته‌های اقتصادی می‌توانند در جبران یا کم‌کردن این ضرریاری رسان باشند. با این حال باید کارگردان‌هایی را که در چنین روزهایی کار روی صحنه می‌برند سدشکنان بازگشایی و حیات مجدد تئاتر دانست که با مشکلات فراوان با عشق به این هنر یا به عرصه گذاشته‌اند و باید از

آنها حمایت کرد. از طرف دیگر، بسیاری از آنها در گفت‌وگوهایی که با «ایران» داشتند سالن‌های نمایش را جایی امن‌تر از رستوران‌ها و بازارها و... دانستند که برخی مردم این روزها بی‌هیچ نگرانی در آنها حضور پیدا می‌کنند اما از آمدن به تئاتر و سالن‌های هنری هراس دارند. از نمایش‌هایی که در این شرایط زیر سایه کرونا در حال اجرا هستند می‌توان به نمایش‌هایی که در ادامه می‌آید اشاره کرد که عوامل‌شان چشم‌انتظار و منتظر حضور علاقه‌مندان به تئاتر هستند و دل‌شان می‌خواهد این روزها، آنها را تنها نگذارند. بخشی از این نمایش‌ها از این قرار است: «برگشتن» به کارگردانی حسین مسافر آستانه در تماشاخانه سرو، «است» به کارگردانی پرنیا شمس و تهیه‌کنندگی چهره شناخته‌شده و جوان سینما و تئاتر کشور یعنی نوید محمدزاده در تئاتر مستقل تهران، «کابوس‌های مرد مشکوک» به کارگردانی ملیک‌راضی در تماشاخانه سنگلج، «بازده جریحه روح» به کارگردانی فرزاد امینی در تئاتر مستقل تهران، «آگوست در اوسپج کانتی» به کارگردانی میکائیل شهرستانی در سالن شماره یک خانه نمایش مهرگان، «ابرسلاورپوش» علیرضا اخوان در تالار مولوی، «پنهان‌خانه پنج در» به کارگردانی آرش فلاح‌ت‌پیشه در سالن اصلی تالار مولوی، «وهمیشه پاییز» به کارگردانی مهیار جوادی‌ها در سالن اصلی تالار مولوی، «پسر» به کارگردانی محسن مظاهری در تماشاخانه سپیرخ و «یه گاز کوچولو» به کارگردانی فقیهه سلطانی در تالار سایه تئاتر.

فقیهه سلطانی، میکائیل شهرستانی، علیرضا اخوان، پرنیا شمس و مهیار جوادی‌ها در گفت‌وگو با «ایران» از شرایط اجرای تئاتر زیر سایه کرونا می‌گویند و از دغدغه‌ها، چالش‌ها و انتظارات‌شان.

سر نوشت گروه‌ها و تماشاخانه‌ها به هم گره خورده است



روی صحنه می‌آیند اما به هر صورت باید به نگرانی‌های مردم هم حق داد و تا می‌توانیم هم ما و هم مدیران فرهنگی که مسئولیتی در تئاتر دارند باید در جهت اعتمادسازی کارهای جدید یا مشکلات بسپاری که مردم به لحاظ ذهنی در آسایش باشند و دغدغه‌ای بابت مسائل بهداشتی و... نداشته باشند. برای من البته عجیب است که می‌بینم در بازارها و رستوران‌ها و... جمعیت درون هم موج می‌زند ولی ما با نصف سالن ظرفیت هم با مشکل روبه‌رو هستیم.» کارگردان «آگوست در اوسپج کانتی» در بخشی از صحبت‌های خود از مدیران فرهنگی خود و تئاتر و علی‌الخصوص وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دعوت می‌کند که به سالن‌های تئاتر سری بزنند.

او می‌گوید: «من از آقای وزیر دعوت می‌کنم یکبار ببایند و کار را و شرایط را از نزدیک ببینند. همان‌طور که گفتم خود من هم اول نگران بودم ولی وقتی از نزدیک دیدم که چه وسواسی در بهداشتی کردن سالن و ایمن‌سازی شرایط وجود دارد خیال من راحت شد. با این‌همه این شرایط به‌هیچ‌وجه راضی‌کننده نیست و نمی‌دانیم در ادامه چه پیش خواهد آمد و آمیدی هم به عملی شدن قول‌ها

میکائیل شهرستانی از ۲۴ بهمن سال گذشته «آگوست در اوسپج کانتی» را در خانه نمایش مهرگان روی صحنه برد و بعد از این نمایش و این سالن هم به‌دلیل شیوع بیماری کرونا کارش به تعطیلی کشید. شهرستانی از بازیگران و کارگردان‌های باسابقه حوزه تئاتر است که حالا بعد از بازگشایی سالن‌های نمایش از اول تیرماه دوباره نمایش خود را در همین تماشاخانه روی صحنه می‌برد و تا ۱۵ تیرماه کار خود را روی صحنه خواهد داشت. این کارگردان در گفت‌وگو با «ایران» درباره شرایط اجرای دوباره «آگوست در اوسپج کانتی» می‌گوید: «از جهت حضور تماشاگر، آنچنان راضی‌کننده نیست. آثار ما که پیش‌تر از شیوع ویروس کرونا روی صحنه بودند در وضعیت جدید با مشکلات بسیاری روبه‌رو شدند که بخشی از آن اجتناب‌ناپذیر بود اما به‌نظر مسئولیتی که در سیاستگذاری‌های کلان باید به‌دوش گرفته می‌شد و کارهایی که باید انجام می‌شد، آنچنان هموارکننده مسیر و حلال مشکلات نبود. نه به گروه‌هایی که متضرر شدند کمک شایانی شده نه به تماشاخانه‌های خصوصی که سر نوشت ما دو طرف به‌هم گره خورده است. در دوره‌ای هم می‌خواستیم نمایش‌هایی را به‌صورت آنلاین از طریق تیوال پخش کنیم که مشکلاتی پیش آمد و وقتی مشکلات برطرف شد من دیگر صرافتش را ندانستم.» میکائیل شهرستانی از اقداماتی که برای اعتمادسازی و انجام پروتکل‌های بهداشتی در گروه و سالن مهرگان انجام شده هم می‌گوید: «ما برای اعتمادسازی هر کاری که در دست‌مان برمی‌آمد انجام دادیم و در فضای مجازی حتی ویدئوهایی منتشر کردیم از شرایط انجام پروتکل‌های بهداشتی و مراحل ضدعفونی و... بازیگران من در پایان اجرا به‌صورت نمادین با ماسک



معاصر نیستیم اگر بی تفاوت باشیم

علیرضا اخوان بازیگر تئاتری است که سال ۹۸ تصمیم گرفت اولین تجربه خود را قالب کارگردان را با نمایش تک‌نفره «ابرشلاورپوش» که نمایشی تک بازیگر است و خودش ایفاگر آن است، روی صحنه ببرد. اقبال با اخوان نیز همراه نبود و اجراهایش در سالن مولوی با اوج گرفتن شیوع ویروس کرونا مثل بسیاری از اجراهای دیگر تعطیل شد و او هم چهارماه تقریباً بدون کار خاصی چشم امید به آینده دوخت. حالا بعد از چند ماه، اخوان دوباره «ابرشلاورپوش» خود را از اول تیر روی صحنه می‌برد و تجربه‌ای دوباره، یعنی علاوه‌بر کارگردانی، اجرا در شرایط خاص را در پرورنده کاری خود می‌بیند. اخوان درباره شرایط اجرای نمایشش در مولوی می‌گوید: «به لحاظ بلیت‌فروشی، با توجه به اینکه سالن مولوی سالن دانشجویی است و بسیاری از دانشجویان این روزها در شهرهای خود زندگی می‌کنند یا درگیر امتحانات هستند این مساله در کنار مساله کرونا دست به دست هم می‌دهد که به‌هر صورت به لحاظ زمانی شرایط آن چنان برای حضور مخاطب مناسب نباشد و استقبال هم در حد و اندازه‌های پیش از کرونا نباشد. از طرف دیگر سقف درآمدی پنجاه درصد است و همه اینها در کنار هم متأسفانه شرایط مناسبی به لحاظ اقتصادی فراهم نمی‌کند. از سوی دیگر هم واقعاً کمک آن چنانی از گروه‌های نمایشی، بخصوص گروه‌هایی که این روزها با چنین مشکلاتی

کار روی صحنه دارند، نمی‌شود. البته نمایش من تک‌بازیگر است و هر شب با پنج نفر می‌توانم کار را اجرا ببرم اما گروه‌هایی که پرجمعیت هستند مشکلات بسیار بیشتری دارند. به‌هر صورت تک تک این آدم‌ها و هنرمندانی که چند ماه هم بیکار بوده‌اند واقعاً بدون حمایت نمی‌توانند زندگی و قدرتی برای ادامه داشته باشند.» او درباره احساس خودش از اجرا در چنین روزهایی می‌گوید: «من پنج شش سال بازیگری کردم و این اولین تجربه کارگردانی من بود که انگار اصلاً یاقدم خوبی برای من نداشت که این‌طور با چنین اتفاق عجیب و غریبی گره خوردم. این اجراها را باید عجیب‌ترین اجراها و اتفاقات تئاتری ایران بدانیم که شاید بجز در دوره جنگ در هیچ دوره دیگری شبیه و نمونه‌ای نداشته است.» او در نهایت از هفته اول اجرای خود در سالن مولوی راضی است و می‌گوید: «شب‌های اول اجرا، واقعاً استقبال خیلی خوب بود و بسیاری از دوستان خودم پشت در ماندند و شرمند شدم چون صندلی خالی بود اما نمی‌توانستیم پذیرش داشته باشیم. اما هفته پیش رو دوره اوج امتحانات دانشجویی است و... نمی‌دانم چقدر در ادامه راه از کار ما استقبال خواهد شد.» نمایش «ابرسلاورپوش» پوستر تبلیغاتی خودش را هم تغییر داده و یک ماسک به آن اضافه کرده است. اخوان می‌گوید: «هم من و نمایشم نسبت به اطراف

ما سختی‌ها را تحمل می‌کنیم

«یک گاز کوچولو» اولین تجربه کارگردانی فقیهه سلطانی بود که پیش از این در نمایش‌هایی مثل «گذری لوطی هاشم»، «پدر» و «عاشقانه‌ای برای عباس» ایفا نقش کرده است. اجرای «یک بوس کوچولو» که بهمن سال گذشته در سالن سایه اجرا می‌رفت به‌دلیل شیوع بیماری کرونا متوقف شد و بعد از چهارماه تعطیلی جزو اولین نمایش‌هایی بود که شروع به بلیت‌فروشی برای اجرا کرد. سلطانی در گفت‌وگو با «ایران» درباره شرایط جدیدی که اجرای آنها تجربه می‌کند، می‌گوید: «ما در حال پیش‌فروش هستیم و سه روز نخست ما نسبت به ظرفیت نصف‌شده سالن فروش بدی نبوده و البته نمی‌دانیم بعد از این پیش‌فروش خوب چه وضعیتی را در روزهای اجرا تجربه خواهیم کرد.» او در ادامه صحبت‌های خود مانند بسیاری دیگر از هنرمندان این حوزه تقاضا و خواسته‌ای دارد که خیلی زود پای آن اواسط می‌کشد و درباره‌اش می‌گوید: «چیزی که مشخص است لزوم حمایت مسئولان و مدیران فرهنگی است که باید از تئاتر‌هایی که این روزها با این ظرفیت کم و شرایط خاص اجرا می‌روند، حمایت داشته باشند. من متوجه این مساله نمی‌شوم چرا همیشه بین تئاتر و سینما فرق می‌گذارند انگار تئاتر فرزند ناخوانده و ناخواسته است که قیمت بلیت سینما را افزایش می‌دهند ولی قیمت بلیت تئاتر را تغییر نمی‌دهند؛ البته منظور من افزایش ناگهانی و زیاد نیست اما به هر صورت، وقتی ما در سالن‌های کوچک، این روزها با نصف توان و ظرفیت مخاطبان خود کار را روی صحنه می‌بریم پس طبیعی است که باید از طرف مدیران بالادستی این حوزه حمایت و نگاهی شود اما چنین اتفاقی آن‌طور که باید و شاید نیفتاده است یا اگر هم افتاده آنقدر چشمگیر و گره‌گشا نیست. همه می‌دانیم که هزینه‌ها و مخارج زندگی بالا رفته و مردم برای بسیاری از تفریحات خود حتی در این روزها هم هزینه می‌پردازند اما چرا برای فرهنگ حاضر نیستیم هزینه‌ای بیشتر بپردازیم. آن‌هم برای هنری مثل تئاتر که واقعاً با خون دل روی پا مانده و پیکری نحیف دارد و در هیچ جای جهان بدون حمایت و دست‌های پرمهر دلسوزان و دغدغه‌مندانش نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. همین فرهنگ است که هرچه هزینه پایش کنیم آینده را خواهد ساخت و هرچه هم که

«ایران» از شرایط هنرمندان، دو هفته پس از بازگشایی سالن‌ها و اجرا در شرایط خاص گزارش می‌دهد

تئاتر نفس می‌کشد



سالن تئاتر کانون پرورش فکری کودک و نوجوان

دست‌روی دست نگذاریم

پرنیا شمس کارگردانی است که نوید محمدزاده تهیه‌کنندگی اولین کارش یعنی «است» را به‌عهده دارد و گويا کارگردان‌های کار او بی در اولین تجربه خودشان، آن چنان خوش‌یمن نبودند و تلاقی‌شان با کرونا کارشان را کمی پیچیده کرد. با این‌همه شمس از جمله کارگردان‌هایی بود که «است» خودش را در دوران بازگشایی روی صحنه برد و چند روزی است در تئاتر مستقل تهران اجرا می‌رود. این کارگردان در گفت‌وگو با «ایران» درباره تجربه اجرا در چنین وضعیتی می‌گوید: «راستش روزهای اول کمی ترسناک بود و زمان شروع خیلی نمی‌دانستیم چه اتفاقی می‌افتد اما روزهای اول سال ن بر شد و خوشحال شدم و کمی که گذشت دوباره تعداد تماشاچی‌ها افول کرد و به‌نظر می‌رسد دوباره در حال بهتر شدن است و امیدواریم این اتفاق بیفتد و مردم بیشتر از کارها استقبال کنند.» او با اشاره به رعایت دقیق پروتکل‌های بهداشتی در زمان اجرا می‌گوید: «همه پروتکل‌های بهداشتی‌چه از طرف سالن، چه از طرف ما و چه از طرف تماشاچی‌ها به‌صورت کامل رعایت می‌شود و ما هم تمام توان خود را گذاشته‌ایم تا جایی که ممکن است کار را در محیطی امن و



مطمئن اجرا کنیم که هم خیال خودمان راحت باشد و هم تماشاگری که در این روزهای خاص پا به سالن می‌گذارد. بازیگران و عوامل هم همان‌طور که گفتم بسیار مواظب هستند که فاصله‌ها را به شکل درست رعایت کنند و این فاصله را با تماشاچی هم چه قبل و چه بعد از اجرا حفظ می‌کنند و این کاری است که از دست ما برمی‌آید.» این کارگردان با اشاره به برنامه‌هایی که برای اجراهای بین‌المللی داشتند و به‌دلیل شیوع بیماری کرونا در جهان لغو شد می‌گوید: «واقعاً آینده قابل‌پیش‌بینی نیست. قبل از این اتفاق ما برنامه‌های زیادی داشتیم و قرار بود اجراهای بین‌المللی داشته باشیم و کار بعدی را می‌خواستیم شروع کنیم. این چند ماه وقفه افتاد اما نمی‌توانستیم دست‌روی دست بگذاریم تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. این تجربه جدید و عجیبی است و ضمن این کار، کار دوم را هم تعریف می‌کنیم و می‌خواهیم شروع کنیم و نمی‌خواهیم منتظر آینده باشیم.» شمس در پاسخ به سؤالی درباره چگونگی شروع و همکاری‌اش با تولیدی محمدزاده می‌گوید: «آقای محمدزاده داور جشنواره دانشجویی بودند که ما آنجا اجرا رفتیم و شدم که می‌خواهند از بعضی کارهایی که دوست دارند در قالب تهیه‌کننده حمایت کنند. من هم صحبت کردم و با توجه به علاقه‌ای که به کار ما داشتند لطف کردند و تهیه‌کنندگی کار را به عهده گرفتند. بعدها یک جلسه سر تمرین حاضر شدند و نکته‌هایی گفتند اما اینکه در کار دخالتی داشته باشند و اعمال نظر جدی کنند؛ خیر.»

داشته باشیم بدون فرهنگ به هیچ دردی نمی‌خورد.» کارگردان «یک گاز کوچولو» با اشاره به همدلی بازیگران و عوامل نمایشش در اجرای مجدد این نمایش در روزهای کرونایی می‌گوید: «همان‌طور که گفتم ما منفعت مالی نصیب‌مان نخواهد شد و فروش بلیت‌های پیش‌فروش اگر چه راضی‌کننده بوده اما مطمئناً هیچ برگشت مالی برای ما نخواهد داشت و تنها عشق و علاقه من و همکاران ما را روی صحنه می‌برد. باز هم باید به این نکته بی‌هیچ تعارفی اشاره کنم که متأسفانه آن چیزی که ما از آن به‌عنوان مافیای سالن‌ها یاد می‌کنیم بحثی جدی و مهم است که باید پیگیری شود. ما کار هم داشته باشیم آنقدر باید در صف و پشت در سالن بمانیم که واقعاً ذکرش بسیار طولانی است اما این شغل و البته عشق ماست و نمی‌توانیم از آن دست بکشیم اما مصائبی هم که در آن وجود دارد قابل‌کتمان نیست. کسانی که به حمایت نیاز دارند گروه‌هایی مثل ما هستند نه گروه‌های دیگری که از همه طرف از آنها حمایت می‌شوند و هر وقت بخواهند سالن در اختیارشان است؛ و تبلیغات و... آنها همیشه به راه است. سلطانی لزوم توجه به هنرمندان تئاتری را با این جمله بیان می‌برد که «من خیلی شفاف می‌خواهم بگویم انگار جریان نمی‌خواهد تئاتر پیش برود و مانع از رشد و پیشرفت آن می‌شوند. نه تنها نادیده گرفته می‌شویم بلکه خیلی جاها تحقیر می‌شویم و چند وقتی است که محدودسازی هنرمندها بیشتر می‌شود. من از مدیران و مسئولان فرهنگی سؤال می‌پرسم که عیدی ۱۵۰هزار تومانی به هنرمندان آیا تحقیر هنرمند نیست؟ نمی‌دانیم باید چه کنیم و درد دل خود را کجا ببریم. کرونا بی‌شک در همه ارکان زندگی بشر تأثیر گذاشته و خواهد گذاشت و در حوزه‌های هنری هم بی‌شک همین‌طور خواهد بود. کارهایی که در آینده ساخته می‌شوند بی‌شک متأثر از این هستند و چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی و ساختاری تغییراتی به‌وجود خواهد آمد یا باید به وجود بیایند. حتی من فکر می‌کنم شاید کار به جایی برسد که مثلاً صندلی‌های بین دو صندلی کلاً از سالن بیرون گذاشته شود و چنین طراحی‌های جدیدی را شاهد باشیم. باز هم تأکید می‌کنم که ما سختی‌ها را تحمل کرده و می‌کنیم و به آن عادت کرده‌ایم اما واقعاً ادامه این روند به جای خوبی نخواهد رسید.»



می‌خواهیم تئاتر را زنده نگه‌داریم

نمایش «وهمیشه پاییز» به نویسندگی و کارگردانی مهیار جوادی‌ها این روزها در سالن اصلی تالار مولوی روی صحنه می‌رود و این کارگردان جوان هم سال گذشته با اجراهایش داشت گرم می‌شد ویروس کرونا آمد و همه کاسه‌کوزه‌هایش را در هم شکست و کارش را به تعطیلی کشاند. بعد از چهارماه جوادی‌ها و گروه‌ش با این نمایش دوباره پا به صحنه تالار مولوی گذاشته‌اند و دوره‌ای خاص را تجربه می‌کنند. جوادی‌ها در گفت‌وگو با «ایران» شرایط اجرای پیش از تعطیلی و امروز را این‌طور ترسیم می‌کند: «ما قبل از کرونا ۹ اجرا رفتیم و ترس از شیوع بیشتر کرونا باعث شد که استقبال آنچنانی از کار نشود و در نهایت هم، کارهای نمایشی، سالن‌های تئاتر و تمامی فعالیت‌های هنری تعطیل شدند و کار ما هم همین‌جین. قبل در شروع دوره جدید و از طرف تالار پیشنهاد شد کار را دوباره اجرا کنیم و ما پیشنهادشان را بررسی کردیم تا ببینیم شرایط چگونه است. در این بررسی‌ها ما در چهارماه قرنطینه‌ای است. چیزی که به ناخودآگاه در کار از پیش نوشته شده بود و حتی بعضی‌ها متعجب بودند و فکر می‌کردند کار بازیگری شده در صورتی که متن هیچ تغییری پیدا نکرده و این را باید یک نوع همزمانی دانست که برای خود من هم عجیب بود. به‌هر روی ما فقط روی پوستر کار کردیم و یک ماسک اضافه کردیم اما در بطن و متن کار دست‌نبردیم و متن همان است که بود و ناخودآگاه نزدیکی‌های فراوان با شرایط امروز پیدا کرد و رویکرد و افق دیگری پیش روی خود دید.»

این سؤال که این تجربه برای کارگردان جوانی مثل او چه درسی داشته و دارد می‌گوید: «ما زندگی‌مان را نمی‌توانیم از تئاتر جدا کنیم همان‌طور که هیچ هنرمندی نمی‌تواند زندگی هنری‌اش را از شکلی به شکلی دیگر تغییر دهد. ما نیامده‌ایم که برویم یا تئاتر برای‌مان مثنی شغل و کار دوم باشد. کسانی مثل من و اصولاً تمامی اهل تئاتر، تمام زندگی‌شان همین است و پس. در روزهای خوب با تئاتر بودیم و در روزهای بد با تئاتر می‌بودیم. ما کارهایی که در روزهای بد و دل‌هره هم کنار او خواهیم ماند و نمی‌گذاریم تئاتر روزهای تهناتر از آنچه امروز تجربه می‌کند را تجربه کند. انتظار ما از مسئولان فرهنگی این است که حداقل درک درستی از سالن‌های نمایش بیایند و ما آنها را ببینیم که متوجه هستند ما در چه شرایطی مشغول کار کردن هستیم و این حضور آنها بدون شک به ما دلگرمی می‌دهد و متوجه این می‌کند که کسانی هم به فکر ما هستند و ما را می‌بینند فقط چشم و نگاهشان به گروه‌های بزرگ و افراد شناخته شده و مشهور نیست.»